

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال یازدهم، شماره ۲۲، پائیز و زمستان ۱۳۹۵-۱۳۹۶

رضایت‌مندی از مهاجرت در بین معاودین از عراق ساکن شهر ایلام و عوامل مرتبط با آن

مسعود الماسی^۱

چکیده

در حال حاضر جمعیتی نزدیک به ۵ هزار نفر معاود از عراق در استان ایلام زندگی می‌کنند که لزوم توجه به وضعیت زندگی آنها ضروری می‌نماید. با توجه به عدم انجام پژوهش کافی در این رابطه، مقاله حاضر به بررسی میزان رضایت‌مندی از مهاجرت در بین این گروه جمعیتی و عوامل مرتبط با آن، به روش پیمایش می‌پردازد. جامعه آماری، تمامی معاودین ساکن شهر ایلام و حجم نمونه مورد نظر ۳۵۷ نفر می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از توزیع پرسشنامه به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای در بین نمونه مورد نظر گردآوری شده است. ارزیابی فرضیه‌ها نشان می‌دهد میانگین نمرات متغیر وابسته بر حسب متغیرهای جنس، محل تولد، قومیت و شغل پاسخگویان از تفاوت معنی‌داری برخوردار است. همچنین همبستگی بین متغیرهای حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، راهبردهای انطباق با فشارهای روانی و امکانات شهر ایلام، با رضایت‌مندی معاودین از مهاجرت، مستقیم و معنی‌دار است. از سوی دیگر رابطه متغیرهای احساس محرومیت نسبی و انزوای اجتماعی با متغیر

۱. مربی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور almasi_57@yahoo.com

وابسته معنی‌دار، اما معکوس بوده است. تفسیر نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره نشان می‌دهد امکانات شهر ایلام، احساس محرومیت نسبی و حمایت اجتماعی تقریباً ۴۰ درصد از تغییرات رضایتمندی از مهاجرت را در بین نمونه مورد بررسی تبیین نمودند.

واژگان کلیدی: رضایتمندی، مهاجرت، معاودین، سوقی، کرد فیلی، شهر ایلام.

مقدمه و بیان مسأله

مردم استان ایلام کنونی، که به آنها کردهای فیلی اطلاق می‌شود، به دلیل هم‌مرز بودن با کشور عراق و نزدیکی با شهرهای مهم این کشور، از دیرباز مراودات اقتصادی، اجتماعی و مذهبی گسترده‌ای با این کشور داشته و بر این اساس پیوندهای عمیق فامیلی و طایفه‌ای با استان‌های مرزی عراق و کردهای ساکن در شهر بغداد صورت داده‌اند. همچنین مهاجرت‌های متعددی نیز از این منطقه به کشور عراق صورت گرفته و موجب شده جمعیت آن همواره از تعداد و رشد پایینی برخوردار باشد. به عنوان مثال، به‌دنبال درگیری‌های فرزندان بر سر جانشینی حسن خان والی، جمعیت زیادی از ساکنان منطقه راهی کشور عراق شدند، به طوری که جمعیت این منطقه از ۱۲ هزار خانوار در سال ۱۲۱۳ ه.ش به ۷۵۰۰ خانوار در سال ۱۲۴۲ ه.ش کاهش یافته است. عبدالغفار نجم‌الدوله نیز کاهش جمعیت منطقه از ۳۰ هزار خانوار در سابق به ۴ هزار خانوار در سال ۱۲۹۹ را ناشی از ظلم والیان و مهاجرت افراد به بلاد عثمانی ذکر کرده است (مرادی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۸۱). در طی یکصد سال گذشته نیز، استقلال کشور عراق و رونق اقتصادی شهرهایی چون بغداد و بصره از یک طرف، و کم توجهی حاکمان قاجار و پهلوی به استان ایلام، و به تبع آن مشکلات اقتصادی مردم، سنگینی مالیات، قحطی و خشکسالی از سوی دیگر، سبب شد بخش عمده دیگری از جمعیت ساکن در استان ایلام کنونی، به تدریج راهی کشور عراق شده و در جنوب کردستان عراق و شهرهای مهمی مانند خانقین، کوت و حی (در همسایگی ایران) و نیز در شهرهای بغداد، نجف، بصره، کاظمین و چند شهر دیگر ساکن شوند. کردهای فیلی در زمان رژیم سابق عراق نقش مهمی در مبارزه علیه حکومت داشتند و به عللی چون کرد بودن، شیعه بودن و تابعیت (که آنان را اصالتاً غیرعراقی و ایرانی تبار می‌دانستند) مورد ظلم و ستم

مضعف دولت عراق قرار گرفتند. این گروه در زمان حکومت حسن البکر در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ و در زمان حکومت صدام در سال ۱۹۸۰ تحت قتل عام گسترده، زندان، اجبار به ترک خانه و مهاجرت اجباری و اخراج قرار گرفتند. به این ترتیب بخشی از کردهای فیلی در دو مرحله از این کشور اخراج شدند: در مرحله اول در سال ۱۳۵۰، و در مرحله دوم که از شدت بیشتری برخوردار بود، در سال ۱۳۵۹. از آن زمان، به این افراد رانده شده از عراق، معاود (عودت داده شده) از عراق و سوقی (سوق داده شده) اطلاق می‌شود.

مهاجرت معاودین از عراق به ایران، از نوع مهاجرت‌های اجباری قلمداد می‌شود که بر پایه تعریف سازمان بین‌المللی مهاجرت^۱ (۲۰۱۷)، "نوعی از مهاجرت است که در آن عنصری از اجبار وجود دارد و معیشت و زندگی افراد را تهدید می‌کند. این تهدید ممکن است ناشی از علل طبیعی و یا علل انسانی باشد. به‌عنوان مثال حرکات پناهندگان و آوارگان و همچنین مردم آواره از بلایای طبیعی و زیست محیطی، شیمیایی و یا فجایع هسته‌ای، قحطی و یا پروژه‌های مربوط به توسعه"^۲. آلوتی و ورگیس^۲ (۲۰۱۷) معتقدند حداقل ده درصد از افرادی که مهاجرت می‌کنند، به سبب وقایعی که در حیطه کنترل آنها نیست (جنگ، خشونت، اجبار، و بلایای طبیعی و انسان‌ساز)، و برای بقا و حفاظت از جان خود و خانواده، مجبور به ترک خانه‌هایشان هستند. با بازگشت معاودین به ایران، بخش عمده‌ای از آنها راهی مناطق و سرزمین اجدادی خود در استان ایلام شده و در شهرهای مختلف این استان سکنی گزیدند، اما به سبب پرورش آنها در کشور عراق و فرهنگ‌پذیری از جامعه عرب زبان آنجا، پذیرش آنها توسط جامعه میزبان همواره قابل تامل بوده، زندگی آنها را دشوار نموده است. در این بین گروهی از معاودین که فاقد شناسنامه بودند و نتوانستند مدارک مستندی دال بر ایرانی بودن خود به مسولین دولتی ایران ارائه نمایند، به‌عنوان تبعه عراق قلمداد شده و با مسائل و مشکلات افزون‌تری چون؛ مشکلات مربوط به تحصیل در مقاطع بالا برای خود و فرزندان، عدم حمایت از سوی نهادها و ارگان‌هایی چون کمیته امداد و بهزیستی، مشکلات مربوط به حق اشتغال، ثبت ازدواج و طلاق، صدور گذرنامه و ... نیز مواجه شدند که این امر نیز مشکلات ایشان را دوچندان می‌نمود. مشکلات و مسائل

1. International Organization for Migration

2. Allotey and Verghis

مذکور سبب شده است تا این گروه از معاودین از وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناسبی برخوردار نباشند و عمدتاً به اشتغال در مشاغل سخت و سکونت در مناطق فقیرنشین شهر ایلام اقدام نمایند. اعطای کارت سبز پناهندگی از سوی دولت ایران به این افراد نیز گره‌ای از مشکلات عدیده آنها باز نکرده است.

از آنجایی که جمعیتی نزدیک به ۵ هزار نفر از معاودین، در حال حاضر در استان ایلام زندگی می‌کنند، لزوم توجه به وضعیت زندگی آنها و نیز بررسی میزان رضایت‌مندی ایشان از زندگی در این استان ضروری می‌نماید. راهبرد فرهنگ‌پذیری معاودین و نگرش آنها به فرهنگ جامعه میزبان، چگونگی پذیرش آنها توسط جامعه میزبان، سطح سواد و تحصیلات پایین و وضعیت اقتصادی نامناسب، سبب شده است معاودین از وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناسبی برخوردار نباشند و عمدتاً به اشتغال در مشاغل سخت و سکونت در مناطق فقیرنشین شهر ایلام مبادرت نمایند. با توجه به عدم انجام پژوهش‌های کافی پیرامون مسائل مربوط به معاودین، انجام پژوهش‌های عمقی در زمینه شناسایی مسایل و مشکلات آنها، می‌تواند در شناخت زوایای گوناگون مسائل مربوط به ایشان یاریگر باشد. در این راستا، مقاله حاضر در پی آن است به بررسی میزان رضایت‌مندی از مهاجرت در بین معاودین ساکن شهر ایلام و عوامل مرتبط با آن بپردازد. این مقاله در نظر دارد ضمن فراهم آوردن اطلاعات لازم در زمینه رضایت‌مندی معاودین از مهاجرت و شناخت عوامل مرتبط با آن، با ارائه نتایج علمی، زمینه برنامه‌ریزی مناسب جهت اقدامات بعدی توسط نهادهای مسئول را فراهم نماید و در پژوهش‌های بعدی نیز مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد.

مبانی نظری

احساس رضایت، از بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی به وجود می‌آید (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۴۱) و بر تجربه شناختی و داورانه‌ای دلالت دارد که به عنوان اختلاف ادراک شده بین آرزو و تحقق آرزو تعریف می‌شود. این تعریف طیفی را تشکیل می‌دهد که از

ادراک کامروایی تا حس محرومیت را در بر می‌گیرد و با مفهوم خوشحالی که ناظر بر تجربه عاطفی (هیجان‌ها و احساسات) می‌شود، تفاوت دارد (ازکمپ^۱، ۱۳۸۶: ۶۹).

اکبری معتقد است رضایتمندی بیشتر جنبه روانی داشته و به درک و فهم شخص مهاجر از موقعیت زندگی خودش در مقصد بر می‌گردد. رضایتمندی که در یک فرآیند کسب می‌شود از یک طرف، با گرایش‌های مطلوب مهاجرین نسبت به میزبانان و از طرف دیگر، با متقاعد شدن مهاجرین که میزبانان گرایش مطلوب و مناسب نسبت به آن‌ها دارند، توأم می‌باشد (زاهد و خورشیدی، ۱۳۹۰: ۵۰). لو^۲ (۱۹۹۹) نیز معتقد است رضایتمندی مهاجران از محل اقامت تنها یک جنبه مهم از کیفیت زندگی افراد نیست، بلکه تعیین کننده نوع واکنش آن‌ها به محیط‌های اجتماعی نیز هست. رضایت‌مندی مهاجران به عوامل متعددی وابسته است. آمادگی مهاجران، پذیرش آنها توسط جامعه میزبان، خود فرآیند مهاجرت، ویژگی‌های شخصیتی، هویت فرهنگی، حمایت اجتماعی، پذیرش توسط سایرین در خود گروه مهاجران (بوگرا و جونز^۳، ۲۰۰۱)، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، میزان رضایت از امکانات اجتماعی و راهبردهای انطباق با محیط از عوامل مهم ایجاد رضایتمندی در بین مهاجران هستند.

یکی از مهمترین عوامل اثرگذار بر رضایتمندی از مهاجرت، سرمایه اجتماعی است. بوردیو^۴ سرمایه اجتماعی را مجموعه منافع مادی یا معنوی می‌داند که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده بر اساس آشنایی و شناخت کامل را در اختیار داشته باشد (فیلد، ۱۳۹۲: ۳۱). بر اساس نظریه لین^۵ (۲۰۰۱)، عناصر سرمایه اجتماعی با افزایش ارتباطات و سطح دسترسی به منابع، در نهایت منجر به ایجاد نتایجی مانند سلامت جسمانی، سلامت روانی و رضایت از زندگی خواهند شد. پوتنام^۶ سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنها را تامین خواهد کرد (وحید و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۱). در

1. Oskamp

2. Lu

3. Bhugra and Jones

4. Bourdieu

5. Lin

6. Putnam

پژوهش حاضر، سرمایه اجتماعی در ۲ بعد حمایت اجتماعی و اعتماد اجتماعی سنجش شده است. کاپلان^۱ حمایت اجتماعی را هرگونه محرکی می‌داند که به پیشرفت اهداف فرد حمایت شونده کمک می‌کند. او حمایت را در دو بعد حمایت اجتماعی ملموس (مشمول بر امکانات مادی به‌نحوی که برای فرد سودمند است) و حمایت اجتماعی روانی (به افراد کمک می‌کند تا حالت‌های هیجانی و عاطفی که باعث بهبود می‌شود را در خود ایجاد کند) بیان می‌کند. اعتماد اجتماعی نیز نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت معیارهای اجتماعی می‌کند. به‌عبارت دیگر نوعی ارتباط متقابل بین افراد است (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۱). گیدنز^۲ دو نوع اعتماد را نام برد: اعتماد به افراد (در سطح خرد سرمایه اجتماعی)، اعتماد به نهادها (در سطح کلان سرمایه اجتماعی).

مشارکت اجتماعی به‌عنوان یکی دیگر از مولفه‌های سرمایه اجتماعی، در برگیرنده انواع کنش‌های فردی-گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۹). کوودو و آبللا^۳ (۲۰۱۱) معتقدند تعاملات اجتماعی، احساس تعلق را، که لازمه بهزیستی است، افزایش می‌دهد. مشارکت فعال مهاجران، احساس بیگانگی را کاهش داده و احساس تعلق به جامعه اجتماعی جدید را در آنها ایجاد می‌کند (برکبوسونوا^۴، ۲۰۱۴).

از دیدگاه پارسونز چهار خرده نظام برای هر نظام اجتماعی (در هر سطحی) مطرح است که برای همه نظام‌ها ضروری است و هر یک کارکردی را بر عهده دارند. کارکرد آنها در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام است که در نهایت همه به دنبال حفظ مجموعه کل هستند و می‌خواهند نظم و ثبات را در جامعه به وجود آورند. یکی از این چهار خرده نظام، انطباق و سازگاری با محیط از طریق ارگانیزم رفتاری است (ریترز، ۱۳۹۴: ۱۳۷) که از عوامل موثر بر رضایتمندی است. در برخورد افراد با مشکلات زندگی و روانی، هر اندازه راهبرد عقلانی در جهت حل مسائل به‌کار گرفته شود و بر اساس عقل سلیم با مشکل برخورد شود، فشارهای

1. Kaplan
2. Gidens
3. Quevedo and Abella
4. Berekbussunova

روانی ناشی از آن مساله کاهش می‌یابد (کاسیچ^۱، ۲۰۰۴: ۲۷۰). عدم انطباق نگرش و رفتار مهاجران با نگرش و رفتار اطرافیان نسبت به اتفاقات زندگی محیطی، باعث کاهش سطح فعالیت‌ها به دلیل عدم پذیرش از سوی جامعه میزبان، و سلب اراده و آزادی عمل از آنها، و در نتیجه سبب بروز نارضایتی در بین آنان است. راجرز بر این باور است که افراد برای اقدام به عملی مثل مهاجرت باید از لحاظ روانی نوعی آمادگی جهت پذیرش تغییرات جدید و نور داشته باشند (ازکیا، ۱۳۹۴: ۱۱۵) زیرا مهاجرت به هر دلیل یا هر مدتی که رخ دهد استرس‌زا است و این استرس می‌تواند با افزایش نرخ اختلال‌های روانی در ارتباط باشد (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۴: ۲).

بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی انسانها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند، واکنش‌های شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی، خودکشی و...) انجام می‌دهند و وقتی این احساس به درجه بالایی خود برسد، به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۴۵). محرومیت نسبی به‌عنوان تصور وجود تفاوت بین انتظارات ارزشی انسان‌ها و توانایی‌های ارزشی آنها تعریف می‌شود. به‌عبارتی محرومیت نسبی برداشت بازیگران از وجود اختلاف بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی است. انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی می‌باشند که مردم خود را مستحق آنها می‌دانند. توانایی‌های ارزشی، کالاها و شرایطی هستند که مردم فکر می‌کنند در صورت داشتن ابزارهای اجتماعی می‌توانند آنها را به‌دست آورند و حفظ کنند (گار، ۱۳۸۷). بر این اساس افراد مهاجر نیز در صورت احساس محرومیت، دچار زودرنجی، گوشه‌گیری و انزوای اجتماعی شده و کیفیت زندگی آنها مختل می‌شود.

انزوای اجتماعی در دو مفهوم جدا بیان می‌شود، اول به‌معنی جدایی افراد و گروه‌های اجتماعی از جامعه وسیع‌تر، و دوم به‌معنی جدایی افراد از گروه‌های اجتماعی اولیه، مانند خانواده، دوستان و همسایگان (کریستینا، اسکاملر و بوند^۲، ۲۰۰۹: ۱۷۵) که در پژوهش حاضر، انزوای اجتماعی در معنی اول استفاده شده است. با توجه به تئوری اشاعه و انتقال فرهنگی،

1. Kosic
2. Christina, Scambler and Bond

مهاجرت‌های اجباری می‌توانند، انتقال فرهنگی ناخواسته و برنامه‌ریزی نشده‌ای را موجب شوند، که این امر فرایند فرهنگ‌پذیری افراد را مختل نموده و انزوای فرهنگی و کاهش تحرک اجتماعی آنها را موجب می‌شود. برخورد هویت‌های فرهنگی مختلف بر اثر مهاجرت، در مرکز ثقل فرهنگی مناطق مختلف انشقاق ایجاد می‌کند و تبعات متعددی چون ضعف نظام نظارت اجتماعی و فرهنگی، تغییر در مناسبت‌ها و آداب و رسوم فرهنگی-اجتماعی و ناهمگونی در هنجارهای فرهنگی و اجتماعی مهاجران را به دنبال می‌آورد (رستم‌علیزاده و قاسمی اردهائی، ۱۳۹۱: ۶۳).

پیشینه تجربی

زاهدی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند مهاجران خارجی در کلانشهر اصفهان دسترسی کمتری به منابع دارند و در مقایسه با بومی‌ها تبعیض و طرد اجتماعی شدیدتری دارند و نه تنها با وجود گذر زمان، تبعیض‌های اجتماعی قومی از بین نرفته، بلکه مهاجران با سکونت در محله‌های محروم، طرد اجتماعی را با طرد فیزیکی تجربه می‌کنند.

فروزنده‌تبریزی (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان می‌دهد ایرانیان ساکن شهر وین با توجه به مدت زمان اقامت‌شان انطباق‌پذیری بسیار بالایی با شهر وین داشته و از خدمات اجتماعی و فرهنگی این کشور و شهر وین راضی بوده‌اند.

صادقی (۱۳۹۰) نشان داد نسل دوم مهاجران افغان در مقایسه با نسل اول از سازگاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری با جامعه‌ی ایران برخوردار بوده، و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای ازدواج و باروری آنها، تا حدی ناشی از دسترسی به آموزش و تحصیلات، عدم امنیت‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه‌ی میزبان، خدمات بهداشت باروری، تعاملات اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی، اشاعه و پذیرش ایده‌های جدید می‌باشد.

علی‌اکبری (۱۳۹۰) نشان می‌دهد میزان اعتماد درون‌گروهی مهاجران افغانستانی ساکن شهر اصفهان بالا و اعتماد برون‌گروهی‌شان پائین است. مشارکت آنها در شبکه‌ها و روابط درون‌گروهی بالا و مشارکت اجتماعی آنها در جامعه گسترده‌تر بسیار محدود و در سطح پائینی بوده، که نشان از عدم پیوستگی ایشان با جامعه مقصد دارد.

سارلا و الو^۱ (۲۰۱۶) رابطه‌ای بین مهاجرت اجباری در دوران کودکی با پیامدهای بهداشتی منفی در بین مهاجری منطقه کارولینا فنلاند پیدا نکردند و دلیل احتمالی آنرا یکپارچه شدن این مهاجران با سایر مناطق جامعه فنلاند پس از جنگ عنوان کرده‌اند.

نتو و فونسکا^۲ (۲۰۱۶) به بررسی میزان رضایتمندی از مهاجرت در بین مهاجران پرتغالی ساکن در سوئیس بر اساس مقیاس رضایت از زندگی SWMLS پرداختند که یافته‌ها بیانگر مطلوبیت و ویژگی‌های روانی مهاجران، و اعتبار بین نمرات رضایت از زندگی با شاخص‌های رفاه و فرهنگ‌پذیری بود.

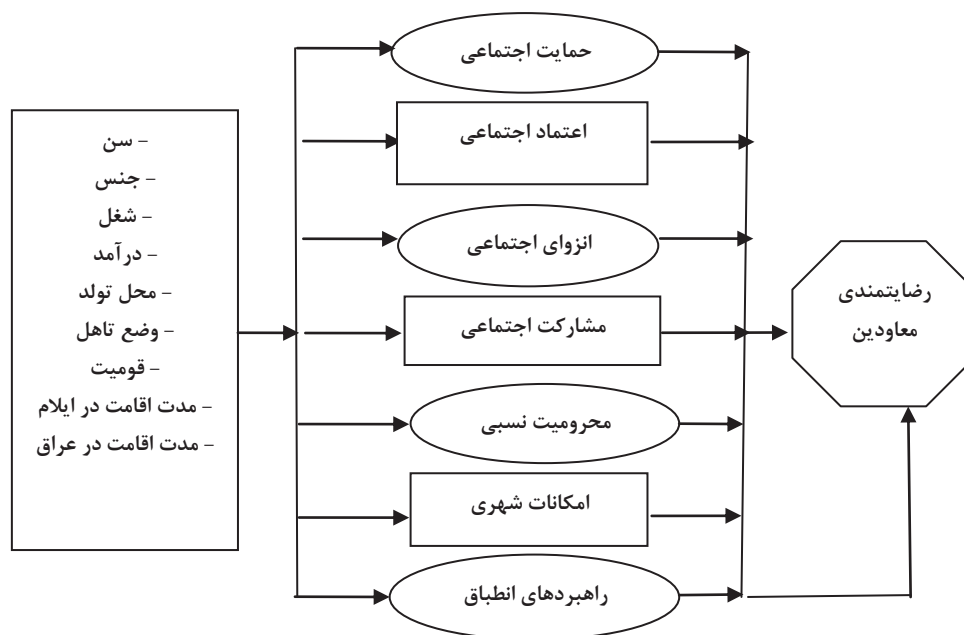
برکبوسونوا (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان می‌دهد روند پشتیبانی روانی از مهاجران به وطن بازگشته، باعث ارتقای شکل‌گیری اعتماد به نفس کافی، سطح بالاتری از آسایش عاطفی در فرد مهاجر و اعتماد او به توانایی‌های خود شده، نیاز به توسعه ارتباطات اجتماعی و ایجاد مشارکت را فعال کرده، احساس بیگانگی را کاهش داده و یک احساس تعلق به جامعه اجتماعی جدید را ایجاد می‌کند.

لئونگ^۳ و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهند رابطه مثبت پذیرش اجتماعی با رضایت از زندگی به معنای آن است که رابطه مهمی بین بهزیستی شهروندان و سطح پذیرش اجتماعی و اعتماد آنها به بخش‌های عمومی و خصوصی جامعه وجود دارد. در ارتباط با کانال‌های ارتباطی و اطلاعاتی، شبکه اجتماعی قوی از دوستان عامل مهمی در تعیین سطح رضایت از زندگی فرد به حساب می‌آید. به‌ویژه دیدار دوستان و داشتن دوستان بیشتر، و داشتن خویشاوندانی که فرد احساس می‌کند به آنها نزدیک است، رابطه مثبتی با رضایت از زندگی داشت.

گولاکتی^۴ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد افرادی که حمایت اجتماعی بالایی دریافت می‌کنند، از زندگی خود احساس رضایت بیشتری دارند. همچنین گذراندن وقت با خانواده تأثیری مستقیم بر رضایت افراد دارد و حمایت ادراک شده دوستان به‌طور غیرمستقیم بر سطح رضایت فرد اثر می‌گذارد.

-
1. Saarela and Elo
 - 2 . Neto and Fonseca
 3. Leung
 - 4 . Gulacti

مدل تجربی



روش تحقیق

در انجام این پژوهش از روش پیمایش، بر اساس طرح مقطعی استفاده شده است. جامعه آماری، تمامی معاودین ساکن در شهر ایلام است که با توجه به محرمانه بودن آمار آنها، اطلاع دقیقی از تعدادشان در دست نیست. مصاحبه‌های مسوولین استان ایلام، تعداد این افراد را حدود ۵ هزار نفر برآورد می‌کند. با توجه به این برآورد و بر اساس جدول لین، با فرض حداکثر واریانس $p=0/5$, $q=0/5$ و با $0/95$ سطح اطمینان، حجم نمونه مورد نظر ۳۵۷ نفر می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز با توزیع پرسشنامه به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای در بین نمونه مورد نظر گردآوری شد. در این راستا ابتدا محله کانون، سرطاف و منطقه شماره یک، به‌عنوان محلات و مناطقی که بیشترین تجمع معاودین در آن قرار دارد، شناسایی شدند. در محله کانون و سرطاف سه بلوک در ابتدا، میانه و انتهای محله انتخاب شده، با مراجعه پرسشگران به درب تک تک منازل، در صورت حضور فرد واجد شرایط در منزل، پرسشنامه تکمیل می‌شد. منطقه شماره یک (محل

اشتغال اغلب معاودین) نیز به چهار بلوک تقسیم شد. با انتخاب دو بلوک به صورت تصادفی و مراجعه پرسشگران به درب مغازه‌ها، به توزیع پرسشنامه در بین افراد واجد شرایط اقدام شد. با توجه به نبود آمار دقیق ساکنین معاود در هر یک از این محله‌ها، توزیع نمونه‌ها برحسب مناطق به صورت برابر (هر منطقه ۱۲۰ پرسشنامه) و به شکل تصادفی و در دسترس انجام شد.

پرسشنامه مورد نظر از سه بخش تشکیل شده است. در بخش اول سوالات زمینه‌ای؛ سن، شغل، محل تولد و سکونت، مدت اقامت در شهر ایلام، مدت اقامت در کشور عراق، سطح سواد، سطح درآمد، قومیت و وضعیت مسکن مورد سوال قرار گرفته است. در بخش دوم، عوامل بالقوه مرتبط و در بخش سوم پرسشنامه، متغیر رضایتمندی، سنجش شده‌اند. سوالات مندرج در این دو بخش از رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری داخل کشور و یا از مقالات لاتینی اخذ شده‌اند که توسط اساتید داخلی ترجمه و هنجاریابی شده‌اند.

رضایتمندی: از بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی به وجود می‌آید (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۴۱) و بر تجربه شناختی و داورانه‌ای دلالت دارد که به‌عنوان اختلاف ادراک شده بین آرزو و تحقق آرزو تعریف می‌شود. متغیر رضایتمندی، با استفاده از طیفی مشتمل بر ۸ گویه (به نظر من اهالی شهر ایلام مردم خوب و صادقی هستند، به‌طور کلی مردم شهر ایلام با من رفتار خوبی دارند، از این که به این شهر مهاجرت کردم، راضی هستم و ...) بر اساس طیف لیکرت (۱ کاملاً مخالفم تا ۵ کاملاً موافقم) ارزیابی شده و حداقل نمره کلی ۸ که بیانگر رضایتمندی پایین، و حداکثر آن ۴۰، بیانگر رضایتمندی بالا و بهتر است.

حمایت اجتماعی: در این بررسی شامل دوستی‌ها، پیوندهای عاطفی، نزدیکی در فضا مانند همسایگی و مجاورت مکانی در اداره، روابط خویشاوندی، عضویت در نهادها و انجمن‌ها است و در شبکه‌های خویشاوندی مطالعه می‌شود. نمره‌دهی این متغیر نیز بر روی مقیاس ۱۰ آیتمی (رساندن فردی به مقصد، قرض دادن وسایل خانه به همسایه یا دوستان، مراقبت از خانه همسایه در زمان مسافرت آنان و ...) بر اساس طیف لیکرت ارزیابی شده و حداقل نمره کلی آن ۱۰ و حداکثر ۵۰ می‌باشد.

اعتماد اجتماعی: نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت معیارهای اجتماعی می‌کند. به عبارتی نوعی ارتباط متقابل بین افراد است (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۱). گیدنز دو نوع

اعتماد را نام برد: اعتماد به افراد (در سطح خرد سرمایه اجتماعی) و اعتماد به نهادها (در سطح کلان سرمایه اجتماعی). اعتماد در این مطالعه با ۸ گویه (عموما نمی‌توان به معاودها اعتماد کرد، با معاودها در این شهر ارتباط نزدیکتری دارم، ترجیح می‌دهم با معاودها همسایه شوم تا با افراد دیگر و ...) و حداقل نمره کلی ۸ و حداکثر ۴۰ سنجش شد.

احساس انزوای اجتماعی: این احساس، مبین انفکاک فکری فرد از استانداردهای فرهنگی و بیگانگی او از اهداف نظام اجتماعی است. فرد به دلیل عدم اطلاعات کافی بین اهداف شخصی و اهداف اجتماعی، تعارض وسیعی را احساس می‌کند. متغیر انزوای اجتماعی با استفاده از طیفی مشتمل بر ۸ گویه (تا چه حد حاضرید با یک غیرمعاود همسایه شوید، با شخصی غیرمعاود وصلت کنید، با یک غیرمعاود رابطه دوستی برقرار کنید و ...) با حداقل نمره کلی ۸ و حداکثر ۴۰ مورد ارزیابی قرار گرفت.

مشارکت اجتماعی: عبارت است از دخالت و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی که بر سرنوشت آنها تاثیر می‌گذارد. در این معنا مشارکت داشتن، شرکتی فعالانه در گروه است. در این تحقیق مشارکت شامل همکاری، همبستگی، سازگاری و ایفای نقش‌های اجتماعی در گروه است که به وسیله طیفی مشتمل بر ۱۰ گویه (چقدر در مراسم مختلف مذهبی شرکت دارید؟ تا چه حد در حفظ امنیت محله خود مشارکت دارید؟ چقدر در تصمیم‌گیری‌های محله‌تان شرکت می‌کنید؟ و ...) با حداقل نمره کلی ۱۰ و حداکثر ۵۰ سنجش شد.

راهبردهای انطباق: راهبردهای انطباق و کنار آمدن یا به عبارت دیگر سازگاری، بر اساس سه بعد بررسی می‌شود که عبارتند از: راهبرد احساس محور (زمانی که فرد با مشکلی روبرو می‌شود، در برابر مشکلات به صورت غیر منطقی و از روی احساسات عمل می‌کند)، راهبرد مشکل محور (فرد در برابر مشکلات و فشارها به صورت منطقی به دنبال راه حلی درست و منطقی در برابر آن مشکل است) و راهبرد اجتنابی (فرد راه حل مشکلات را به نیروهای ماورایی محول می‌کند و معتقد است که حل مشکلات کار آنها نیست، بلکه به دست نیروهای ماورایی حل می‌شود). این متغیر با جمع نمرات ۷ سؤال (در مقابل مشکلات مصمم و با اراده هستم،

قادر نیستم به آسانی برای مشکلات خودم راه حلی پیدا کنم، معمولاً برای کنارآمدن با زندگی در این شهر تحت فشار هستم و ... بر روی طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (با حداقل نمره کلی ۷ و حداکثر ۳۵)؛ در سطح کمی سنجش شده است.

احساس محرومیت نسبی: به‌عنوان تصور وجود تفاوت بین انتظارات ارزشی انسان‌ها و توانایی‌های ارزشی آنها تعریف می‌شود. در این تحقیق احساس محرومیت نسبی در بین مهاجران، در طیفی مبتنی بر ۶ گویه (امکانات این کشور، در جهت آباد کردن محل زندگی ما به کار نمی‌رود، بین آنچه هست و آنچه واقعاً باید باشد، فاصله بسیار زیاد است و ...) با حداقل نمره کلی ۶ و حداکثر ۳۰ و در سطح کمی سنجیده شده است.

برای بررسی روایی پرسشنامه، از روایی محتوا استفاده شد و پرسشنامه توسط ۵ نفر از اساتید گروه علوم اجتماعی و روان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور مورد تایید قرار گرفت. برای سنجش ثبات درونی، از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد. در این راستا، پرسشنامه اولیه، در بین ۳۵ نفر از افراد نمونه توزیع و مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. سپس گویه‌هایی که ضریب آلفای آنها کمتر از ۰/۷۰ بود، به‌عنوان گویه‌های ناپایا حذف شده و پرسشنامه نهایی تدوین گشت (جدول ۱). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) و معادله رگرسیون گام به گام در نرم افزار spss نسخه ۱۸ انجام شد.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌های پرسشنامه

| تایف | انزوای اجتماعی | حمایت اجتماعی | مشارکت اجتماعی | اعتماد اجتماعی |
|------------|------------------|---------------|-------------------|----------------|
| تعداد گویه | ۸ | ۱۰ | ۱۰ | ۸ |
| ضریب آلفا | ۰/۹۲ | ۰/۸۸ | ۰/۸۳ | ۰/۸۷ |
| تایف | راهبردهای انطباق | محرومیت نسبی | امکانات شهر ایلام | رضایت‌مندی |
| تعداد گویه | ۴ | ۶ | ۱۴ | ۸ |
| ضریب آلفا | ۰/۷۲ | ۰/۹۰ | ۰/۸۹ | ۰/۹۱ |

یافته‌ها

نتایج ارزیابی متغیرهای فردی و زمینه‌ای بیانگر آن است که میانگین سن پاسخگویان ۴۱/۶۵ سال، میانه آن ۴۱ سال و نمای سن ۲۸ سال بوده است. میانگین درآمد افراد دارای درآمد ۹۸۵

هزار تومان و میانه و نمای درآمد آنها یک میلیون تومان بوده است. لازم به ذکر است که ۴۴ درصد پاسخگویان (۱۵۲ نفر) فاقد درآمد بوده‌اند. در مورد مدت اقامت پاسخگویان، یافته‌ها بیانگر آن است که نمونه مورد بررسی به‌طور میانگین ۳۰/۲ سال در ایلام اقامت داشته‌اند. همچنین پاسخگویانی که زندگی در عراق را تجربه کرده‌اند، میانگین مدت زندگی آنها در این کشور ۱۸/۲۳ سال بوده است. ارزیابی وضعیت شغلی پاسخگویان بیانگر آن است که بیش از ۵۰ درصد آنها فاقد شغل بوده و کمتر از ۶ درصد آنها در مشاغل دولتی فعالیت داشته‌اند. جدول ۲ توزیع فراوانی و درصد سایر متغیرهای زمینه‌ای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای پژوهش

| متغیر | فراوانی | درصد | متغیر | فراوانی | درصد |
|--------------------|------------------|------|-------|---------|------|
| جنس | مرد | ۲۲۰ | ۶۳/۶ | ۴۱ | ۱۴۲ |
| | زن | ۱۲۶ | ۳۶/۴ | ۵۹ | ۲۰۴ |
| سن | ۱۰-۱۹ | ۱۸ | ۵/۲ | ۳۷/۳۵ | ۱۳۰ |
| | ۲۰-۲۹ | ۷۶ | ۲۲ | ۳۳/۹ | ۱۱۸ |
| | ۳۰-۳۹ | ۶۰ | ۱۷/۳ | ۳/۴۵ | ۱۲ |
| | ۴۰-۴۹ | ۸۰ | ۲۳/۱ | ۵/۲ | ۱۸ |
| | ۵۰-۵۹ | ۶۴ | ۱۸/۵ | ۸/۶ | ۳۰ |
| | ۶۰-۶۹ | ۳۴ | ۹/۸ | ۳/۳ | ۸ |
| | ۷۰-۷۹ | ۱۴ | ۴ | ۳/۴۵ | ۱۲ |
| | سایر شهرهای عراق | | | | |
| مدت اقامت در ایران | ۰ سال | ۰ | ۰ | ۴۱ | ۱۴۲ |
| | ۱-۹ سال | ۱۸ | ۶ | ۸ | ۲۸ |
| | ۱۰-۱۹ سال | ۴۲ | ۱۲ | ۲۶ | ۹۰ |
| | ۲۰-۲۹ سال | ۱۰۲ | ۲۹ | ۱۵ | ۵۲ |
| | ۳۰-۳۹ سال | ۱۸۴ | ۵۳ | ۱۰ | ۳۵ |

ادامه جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای پژوهش

| درصد | فراوانی | متغیر | | درصد | فراوانی | متغیر | |
|------|---------|------------|----------|-------|---------|-------------|------------|
| ۷/۸ | ۲۸ | بی‌سواد | سطح سواد | ۲۱/۲۶ | ۷۴ | بیکار | شغل |
| ۴۴/۹ | ۱۵۲ | ابتدایی | | ۲۶/۴۳ | ۹۲ | خانه‌دار | |
| ۲۶/۳ | ۹۰ | دیپلم | | ۲/۹ | ۱۰ | محصل | |
| ۱۴/۴ | ۵۰ | لیسانس | | ۴۳/۶۸ | ۱۵۲ | شغل آزاد | |
| ۴ | ۱۴ | فوق لیسانس | | ۵/۷ | ۲۰ | کارمند | |
| ۷۰ | ۲۴۲ | دارد | وضعیت | ۹۱/۳ | ۳۱۶ | کرد | قومیت |
| ۳۰ | ۱۰۴ | ندارد | شناسنامه | ۸/۷ | ۳۰ | عرب | |
| ۲۹/۶ | ۱۰۰ | مجرد | وضع تاهل | ۷۷ | ۱۱۴ | شخصی | وضعیت مسکن |
| ۶۵/۷ | ۲۲۲ | متاهل | | ۱۰/۸ | ۱۶ | رهن و اجاره | |
| ۲/۹ | ۱۰ | فوت همسر | | ۱/۴ | ۲ | سازمانی | |
| ۱/۸ | ۶ | مطلقه | | ۱۰/۸ | ۱۶ | بی‌جواب | |

جدول ۳ حاکی از تفاوت میانگین متغیرهای مورد استفاده در پژوهش است. یافته‌ها بیانگر آن است که میانگین نمرات متغیر وابسته بر حسب متغیرهای جنس، محل تولد، قومیت و شغل پاسخگویان از تفاوت معنی‌داری برخوردار است ($p < 0/05$). بر این اساس میانگین رضایت‌مندی از مهاجرت در بین خانم‌ها بیشتر از آقایان، در بین متولدین ایران بیشتر از متولدین عراق و در بین کردها بیشتر از عرب‌ها بوده است. در مورد شغل پاسخگویان نیز یافته‌ها نشان می‌دهند شاغلین در بخش آزاد، رضایت‌مندی کمتری از خود نشان داده‌اند. همچنین تفاوت معنی‌داری بین نمره رضایت‌مندی از مهاجرت بر حسب وضعیت تاهل پاسخگویان مشاهده نشد.

جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین متغیرهای پژوهش

| سطح معناداری | F یا T | انحراف استاندارد | میانگین | تعداد | ابعاد متغیر | فرضیه |
|--------------|--------|------------------|---------|-------|-------------|-------------------------------|
| ۰/۰۴ | -۲/۰۷ | ۴/۸۶ | ۳۴/۷۷ | ۲۲۰ | مرد | جنس و رضایت‌مندی مهاجرین |
| | | ۴/۱۳ | ۳۶/۸۴ | ۱۲۶ | زن | |
| ۰/۰۳ | ۲/۱۲۱ | ۴/۱۰ | ۳۶/۶۳ | ۱۴۲ | ایران | محل تولد و رضایت‌مندی مهاجرین |
| | | ۴/۸۹ | ۳۴/۶۸ | ۲۰۴ | عراق | |
| ۰/۰۱ | ۲/۵۰ | ۴/۲۶ | ۳۵/۷ | ۳۱۶ | کرد | قومیت و رضایت‌مندی مهاجرین |
| | | ۶/۶۸ | ۳۲/۲۳ | ۳۰ | عرب | |
| ۰/۰۰۳ | ۴/۸۸ | ۴/۶۶ | ۳۸/۰۵ | ۷۴ | بیکار | شغل و رضایت‌مندی مهاجرین |
| | | ۳/۷۸ | ۳۶/۵۶ | ۹۲ | خانه‌دار | |
| | | ۲/۸۷ | ۳۷/۳۳ | ۲۰ | کارمند | |
| | | ۴/۷۴ | ۳۳/۹ | ۱۵۲ | آزاد | |
| ۰/۱۸ | ۱/۷۳۷ | ۴/۵۷ | ۳۶/۷۷ | ۱۰۰ | مجرد | وضع تاهل و رضایت‌مندی مهاجرین |
| | | ۴/۸۴ | ۳۴/۸۶ | ۲۲۲ | متاهل | |
| | | ۵/۶۶ | ۳۳ | ۱۰ | فوت همسر | |
| | | ۴/۷۲ | ۳۳/۳۲ | ۶ | مطلقه | |

در ارزیابی فرضیه‌ها، اطلاعات جدول ۴ نشان می‌دهد همبستگی بین متغیرهای حمایت اجتماعی ($r=0/865$)، مشارکت اجتماعی ($r=0/838$)، راهبردهای انطباق با محیط ($r=0/197$) و امکانات شهر ایلام ($r=0/547$) با رضایت‌مندی معاودین از مهاجرت، مستقیم و در سطح حداقل ۹۵ درصد معنی‌دار است ($p<0/05$). از سوی دیگر رابطه متغیرهای احساس محرومیت نسبی ($r=-0/528$) و انزوای اجتماعی ($r=0-0/332$) با متغیر وابسته در سطح حداقل ۹۵ درصد معنی‌دار ($p<0/05$) اما معکوس بوده است. همچنین رابطه معنی‌داری بین متغیرهای سن، میزان درآمد، مدت زمان اقامت در شهر ایلام، مدت زمان اقامت در کشور عراق و اعتماد اجتماعی ($p>0/05$) با متغیر رضایت‌مندی معاودین از مهاجرت مشاهده نمی‌شود.

جدول ۴. آزمون همبستگی متغیرهای پژوهش

| سطح معناداری | ضریب همبستگی | فرضیه |
|--------------|--------------|--|
| ۰/۷۳۴ | -۰/۰۳۵ | سن و رضایت‌مندی مهاجرین |
| ۰/۸۴۴ | ۰/۰۱۵ | درآمد و رضایت‌مندی مهاجرین |
| ۰/۴۰۳ | ۰/۰۶۴ | مدت زمان اقامت در شهر ایلام و رضایت‌مندی مهاجرین |
| ۰/۴۱ | -۰/۰۶۳ | مدت زمان اقامت در کشور عراق و رضایت‌مندی مهاجرین |
| ۰/۰۰ | ۰/۵۴۷** | امکانات شهر ایلام و رضایت‌مندی مهاجرین |
| ۰/۰۱ | ۰/۱۹۷** | راهبردهای انطباق با محیط و رضایت‌مندی مهاجرین |
| ۰/۰۰ | -۰/۵۲۸** | احساس محرومیت نسبی و رضایت‌مندی مهاجرین |
| ۰/۰۰ | ۰/۸۳۸** | مشارکت اجتماعی و رضایت‌مندی مهاجرین |
| ۰/۰۰ | -۰/۳۳۲** | انزوای اجتماعی و رضایت‌مندی مهاجرین |
| ۰/۰۰ | ۰/۸۶۵** | حمایت اجتماعی و رضایت‌مندی مهاجرین |
| ۰/۸۱ | ۰/۰۱۸ | اعتماد اجتماعی و رضایت‌مندی مهاجرین |

جهت تعیین سهم عوامل موثر بر رضایت‌مندی معاونین از مهاجرت، متغیرهایی که دارای همبستگی معنی‌دار با متغیر وابسته بودند، وارد معادله رگرسیونی شدند. تفسیر نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره نشان می‌دهد امکانات شهر ایلام، احساس محرومیت نسبی و حمایت اجتماعی طی ۳ مرحله وارد معادله شده و در نهایت با همبستگی ۰,۶۲۷ و ضریب تعیین ۰,۳۹۳ تقریباً ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی رضایت‌مندی از مهاجرت را تبیین نموده‌اند. در مجموع ارزیابی یافته‌ها نشان می‌دهد مدل پژوهش حاضر از قدرت تبیین و پیش‌بینی خوبی برخوردار است (جدول ۵ و ۶).

جدول ۵. تحلیل چند متغیره برای پیش‌بینی متغیر وابسته

| مرحله | R | R2 | R2 تعدیل شده | خطای استاندارد |
|-------|-------|-----------------|--------------|----------------|
| اول | ۰,۵۴۸ | ۰,۳۰۱ | ۰,۲۹۷ | ۳,۷۶۸۶ |
| دوم | ۰,۶۰۲ | ۰,۳۶۲ | ۰,۳۵۴ | ۳,۶۰۹۹ |
| سوم | ۰,۶۲۷ | ۰,۳۹۳ | ۰,۳۸۲ | ۳,۵۳۲۲ |
| | | Constant=۱۳,۶۸۱ | | |
| | | Sig=۰,۰۰ | | |

علائم ضرایب B موجود در جدول ۶ نشان می‌دهد متغیرهای امکانات شهر ایلام (B=۰,۱۸۸) و حمایت اجتماعی (B=۰,۰۹۸) دارای رابطه‌ی مستقیم و اثر مثبت بر رضایتمندی از مهاجرت می‌باشند. همچنین متغیر احساس محرومیت نسبی (B=-۰,۱۸۰) دارای اثر منفی و معکوس بر متغیر وابسته است.

جدول ۶- عناصر درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته

| نام متغیر | ضریب B | T | Sig T |
|--------------------|--------|--------|-------|
| امکانات شهر ایلام | ۰,۱۸۸ | ۵,۱۲۷ | ۰,۰۰۰ |
| احساس محرومیت نسبی | -۰,۱۸۰ | -۳,۱۶۴ | ۰,۰۰۰ |
| حمایت اجتماعی | ۰,۰۹۸ | ۲,۹۰۵ | ۰,۰۰۰ |

معادله پیش‌بینی رگرسیون پنج متغیره با توجه به جدول ۵ برای پیش‌بینی میزان رضایت از مهاجرت در میان نمونه مورد بررسی به صورت زیر است:

$$Y = (۱۳,۶۸۱) + (۰,۱۸۸ \times x_1) + (-۰,۱۸۰ \times x_2) + (۰,۰۹۸ \times x_3)$$

همچنین یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد که متغیرهای انزوای اجتماعی و راهبردهای انطباق با محیط خارج از معادله قرار گرفته‌اند. این مساله به معنی کم اهمیت بودن متغیرهای مذکور نمی‌باشد، بلکه از آنجا که در روش مرحله به مرحله، هدف انتخاب بهترین متغیر یا متغیرها برای پیش‌بینی است، این نتیجه به دلیل وجود همبستگی بین متغیرهای خارج از معادله با متغیرهای درون معادله صورت می‌گیرد.

جدول ۷. متغیرهای خارج شده از جدول به روش گام به گام

| متغیر وارد شده | همبستگی جزئی | Beta | T | Sig T |
|------------------|--------------|-------|-------|-------|
| انزوای اجتماعی | ۰,۱۰۷ | ۰,۰۸۸ | ۱,۳۸۱ | ۰,۸۹۵ |
| راهبردهای انطباق | ۰,۰۴۰ | ۰,۰۳۴ | ۰,۵۱۷ | ۰,۸۵۹ |

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها بیانگر آن است که میانگین نمرات متغیر وابسته بر حسب متغیرهای جنس، محل تولد، قومیت و شغل پاسخگویان از تفاوت معنی‌داری برخوردار است. بر این اساس میانگین

رضایت‌مندی از مهاجرت در بین خانم‌ها بیشتر از آقایان، در بین متولدین ایران بیشتر از متولدین عراق و در بین کردها بیشتر از عرب‌ها بوده است. در مورد شغل پاسخگویان نیز یافته‌ها نشان می‌دهند شاغلین در بخش آزاد، رضایت‌مندی کمتری از خود نشان داده‌اند. ارزیابی فرضیه‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد همبستگی بین متغیرهای حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، راهبردهای انطباق با محیط و رضایت از امکانات اجتماعی، با رضایت‌مندی معاودین از مهاجرت، مستقیم و رابطه متغیرهای احساس محرومیت نسبی و انزوای اجتماعی با متغیر وابسته معنی‌دار اما معکوس بوده است.

نتایج حاکی از وجود رابطه معنی‌دار و مستقیم بین حمایت اجتماعی با رضایت‌مندی از مهاجرت در بین معاودین است. به عبارت دیگر هر اندازه معاودین دارای حمایت اجتماعی بالاتری باشند، به این معنا که این متغیر به عنوان مجموعه‌ای از ذخائر ارزشمند مانند حمایت‌های روانی و مالی متقابل در بین آنها، وجود شبکه‌های خویشاوندی، حس تعلق و وابستگی، حسن تفاهم، همدردی، دوستی و همبستگی در برنامه‌های مختلف زندگی آنها وجود داشته باشد، رضایت بیشتری از مهاجرت خواهند داشت. معاودین به سبب اینکه اصالتی ایلامی دارند و اکثر خویشاوندان آنها در استان ایلام ساکن هستند، از حمایت اجتماعی بالا و متقابلی (به‌ویژه در مواجهه با مشکلات، موقعیت‌های حساس و شرایط حاد زندگی) در جامعه میزبان برخوردارند. نتایج پژوهش گولاکتی (۲۰۱۰) نشان می‌دهد افرادی که حمایت اجتماعی بالایی دریافت می‌کنند، از زندگی خود احساس رضایت بیشتری دارند. بوگرا و جونز (۲۰۰۱) نیز در پژوهش خود نشان می‌دهند که نبود حمایت اجتماعی از عوامل مهم ایجاد اختلال روانی در مهاجران است.

همچنین یافته‌ها حاکی از وجود همبستگی معنی‌دار بین مشارکت اجتماعی و رضایت از مهاجرت در بین نمونه مورد بررسی است. مشارکت اجتماعی در برگیرنده انواع کنش‌های فردی-گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۹). مشارکت فعال مهاجران، احساس بیگانگی را کاهش داده و احساس تعلق به جامعه اجتماعی جدید را در آنها ایجاد می‌کند (برکبوسونوا، ۲۰۱۴). همانگونه که پیشتر اشاره شد، معاودین ساکن در استان ایلام، خود ریشه در این منطقه داشته و عضوی از طوایف و ایلات مختلف استان به شمار می‌روند. بر این اساس مانند سایر افراد بومی در

مراسم عزاداری، سوگواری، شادی و ... بستگان، هم‌طوایف و همشهریان خود حضور فعال و مستمر دارند. این مشارکت فعال باعث احساس تعلق بیشتر معاودین به جامعه اجتماعی ایلام شده و رضایت آنها از زندگی در این شهر را افزایش داده است.

از دیگر نتایج حاصله در پژوهش حاضر، وجود همبستگی معنی‌دار بین راهبردهای انطباق با محیط و رضایتمندی از مهاجرت است. مهاجرین هرچه در برخورد با مشکلات زندگی و روانی، از راهبردهای عقلانی در جهت حل مسائل استفاده کنند و بر اساس عقل سلیم با مشکلات برخورد نمایند، از بار فشارهای روانی بر روی آنها کاسته شده، رضایت آنها از زندگی بهبود خواهد یافت. راجرز بر این باور است که افراد برای اقدام به عملی مثل مهاجرت باید از لحاظ روانی نوعی آمادگی جهت پذیرش تغییرات جدید و نو را داشته باشند (ازکیا، ۱۳۹۴: ۱۱۵) زیرا مهاجرت به هر دلیل یا هر مدتی که رخ دهد استرس‌زا است و این استرس می‌تواند با افزایش نرخ اختلال‌های روانی در ارتباط باشد (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۴: ۲). همسویی نگرش و رفتار معاودین با نگرش و رفتار اطرافیان نسبت به اتفاقات زندگی محیطی، باعث افزایش سطح مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی در بین آنان و در نتیجه رضایت آنها از مهاجرت است.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر، همبستگی معنی‌دار بین متغیرهای امکانات شهر ایلام و رضایتمندی از مهاجرت در بین نمونه مورد بررسی است. شیخی و طیبی‌نیا (۱۳۹۲)، فروزنده تبریزی (۱۳۹۲)، زاهد و خورشیدی (۱۳۹۰)، صادقی (۱۳۹۰) و محمدیان (۱۳۸۶) هر یک در پژوهشی رابطه متغیرهای رضایت از امکانات و رضایتمندی از مهاجرت را مورد تایید قرار داده‌اند. استان ایلام و به تبع آن شهر ایلام از استان‌ها و شهرهای کمتر برخوردار به شمار می‌روند و افراد بومی ساکن آن از امکانات اجتماعی این شهر رضایت چندانی ندارند. اما با توجه به اینکه مهاجرت معاودین به ایلام از نوع مهاجرت‌های اجباری بوده و از طرفی معاودین ساکن ایلام امکان مهاجرت به کشورهای دیگر و یا استان‌های برخوردار را نداشته‌اند، دستیابی به چنین نتیجه‌ای دور از انتظار نبود.

یافته‌ها نشان می‌دهد احساس محرومیت نسبی همبستگی معکوسی با متغیر وابسته داشته است. بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی انسان‌ها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و

در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند، واکنش‌های شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی، خودکشی و...) انجام می‌دهند و وقتی این احساس به درجه بالای خود برسد، به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۴۵). سطح سواد و تحصیلات پایین و وضعیت اقتصادی نامناسب، سبب شده است معاودین از وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناسبی برخوردار نباشند و عمدتاً به اشتغال در مشاغل سخت و سکونت در مناطق فقیرنشین شهر ایلام مبادرت نمایند. از طرفی به سبب پرورش برخی از آنها در کشور عراق و فرهنگ‌پذیری از جامعه عرب زبان آنجا، پذیرش آنها توسط جامعه کورد زبان میزبان در مواردی با تاخیر مواجه شده و زندگی آنها را دشوار نموده است. بر این اساس بخشی از این افراد که بر فرهنگ عربی پافشاری بیشتری داشته‌اند، احساس محرومیت و بی‌عدالتی بیشتری داشته، خود به خود دچار زودرنجی و انزوای اجتماعی شده و زندگی آنها دچار اخلال شده است. با توجه به تنوری اشاعه و انتقال فرهنگی، مهاجرت‌های اجباری می‌توانند، انتقال فرهنگی ناخواسته و برنامه‌ریزی نشده‌ای را موجب شوند که این امر فرایند فرهنگ‌پذیری افراد را مختل نموده و انزوای فرهنگی و کاهش تحرک اجتماعی آنها را موجب می‌شود (رستم‌علیزاده و قاسمی اردهائی، ۱۳۹۱: ۶۳). در پژوهش حاضر، انزوای اجتماعی با رضایت‌مندی معاودین از مهاجرت، رابطه معنی‌دار و معکوسی دارد. به این صورت که هرچه میزان انزوای اجتماعی معاودین افزایش داشته، میزان رضایت‌مندی آنها از مهاجرت کاهش یافته است. اکبری معتقد است رضایت‌مندی که در یک فرآیند کسب می‌شود از یک طرف، با گرایش‌های مطلوب مهاجرین نسبت به میزبانان و از طرف دیگر، با متقاعد شدن مهاجرین که میزبانان گرایش مطلوب و مناسب نسبت به آنها دارند، توأم می‌باشد (زاهد و خورشیدی، ۱۳۹۰: ۵۰). زاهدی و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان دادند مهاجران چون دسترسی کمتری به منابع دارند و در مقایسه با بومی‌ها تبعیض و طرد اجتماعی شدیدتری دارند، با سکونت در محله‌های محروم، طرد اجتماعی را با طرد فیزیکی تجربه می‌کنند.

منابع

- ازکمپ، استوارت (۱۳۸۶). *روانشناسی اجتماعی کاربردی*، (ترجمه فرهاد ماهر)، چاپ دوم، تهران: انتشارات به‌نشر.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: نشر کیهان.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، (ترجمه مریم وتر)، تهران: انتشارات کویر.
- رستم‌علیزاده، ولی‌الله و علی قاسمی‌اردهانی (۱۳۹۱). "آثار و پیامدهای جمعیتی - اجتماعی مهاجرت های جنگ تحمیلی در جامعه ایران"، *پژوهش‌نامه دفاع مقدس*، سال ۱، شماره ۲، صص: ۷۹-۵۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، تهران: سروش.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران: انتشارات علمی.
- زاهد، سعید و فریبا خورشیدی (۱۳۹۰). "بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی موثر بر رضایتمندی از مهاجرت به شهر نورآباد ممسنی"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۲، شماره ۲، صص: ۶۶-۴۷.
- زاهدی، محمدجواد، ابراهیم انصاری و امیر ملکی و اکرم حمیدیان (۱۳۹۴). "سنجش و تبیین طرد اجتماعی مهاجران خارجی در کلانشهر اصفهان"، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)*، دوره ۶، شماره ۱۷، صص: ۸۸-۵۷.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰). "فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن"، *جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳، صص: ۱۱۲-۱۰۱.
- شیخی، محمدتقی و مهری‌سادات طیبی‌نیا (۱۳۹۲). "ارزیابی تاثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و رفاهی بر رضایتمندی خانوارهای مهاجر به شهر تهران"، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)*، دوره ۳، شماره ۷، صص: ۵۲-۲۵.
- صادقی، رسول (۱۳۹۰). "سازگاری اجتماعی - جمعیتی نسل دوم افغان‌ها در ایران"، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، سال ۱۵، دوره جدید، شماره ۴۲ و ۴۳، ص: ۱۰۱.

- علی‌اکبری، اسحق (۱۳۹۰). "بررسی سرمایه اجتماعی مهاجرین افغانستانی (مطالعه موردی: مهاجرین افغانستانی ساکن شهر اصفهان)"، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- فروزنده‌تبریزی، نسترن (۱۳۹۲). "سنجش میزان انطباق‌پذیری فرهنگی - اجتماعی مهاجران ایرانی جامعه مقصد (مطالعه موردی: ایرانیان مهاجر ساکن شهر وین کشور اتریش)"، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی: دانشکده علوم اجتماعی.
- فیلد، جان (۱۳۹۲). *سرمایه اجتماعی*، (ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی)، تهران: انتشارات کویر.
- گار، تد رابرت (۱۳۸۷). *چرا انسانها شورش می‌کنند؟*، (ترجمه: علی مرشدی‌زاد)، چاپ سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدیان، مهرداد، محبوبه دادفر و جعفر بوالهروی و عیسی کریمی‌کیسی (۱۳۸۴). "غربالگری اختلال‌های روانی در مهاجران افغان مقیم تهران"، *روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، دوره ۱۱، شماره ۳، صص: ۲۷۷-۲۷۰.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۶). "مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۲، شماره ۴، صص: ۶۹-۴۲.
- مرادی‌مقدم، مراد (۱۳۸۵). "تاریخ سیاسی و اجتماعی پشتکوه در دوران والیان فیلی"، *مطالعات ملی*، دوره ۷، شماره ۱، صص: ۹۶-۷۱.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵). "مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی"، *رفاه اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۲۳، صص: ۹۲-۶۷.
- وحید، فریدون، صمد کلانتری و ابولقاسم فاتحی (۱۳۸۳). "رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی یازده دانشگاه دولتی شهر تهران)"، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد ۱۷، شماره ۲، صص: ۹۲-۵۹.
- Allotey P, and S.Verghis (2017). "Forced Migration and Health". *Reference Module in Biomedical Sciences, from International Encyclopedia of Public Health*, Second Edition:174-182. <http://dx.doi.org/10.1016/B978-0-12-803678-5.00163-6>
- Berekbussunova, G.(2014). "Social and Psychological Support of the Person during Adaptation in New Socio-Cultural Environment". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 159: 775-783. doi:10.1016/j.sbspro.2014.12.447

- Bhugra D., and P. Jones (2001). "Migration and mental illness". *Advances in Psychiatric Treatment*, 7(3): 216-222. <http://apt.rcpsych.org/content/7/3/216.short>
- Christina V, S. Scambler, and J. Bond.(2009). "The Social World of Older People: Understanding Loneliness and Social Isolation in Later Life". *British Journal of Social Work*, 39(6): 1175-1176. <http://bjsw.oxfordjournals.org/content/39/6/1175.extract>
- Gulacti, F. (2010). "The Effect of Perceived Social Support on Subjective Well-being". *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2(2): 3844-3849. doi:10.1016/j.sbspro.2010.03.602
- International Organization for Migration (2017). *Key Migration Terms*. Online available at: <https://www.iom.int/key-migration-terms>
- Kusic, A.(2004). "Acculturation strategies, coping process and acculturation stress". *Scandinavian Journal of Psychology*, 46: 269-278. <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1467-9450.2004.00405.x/pdf>
- Leung A, C. Kier, T. Fung, L. Fung, and R. Sproule. (2011). "Searching for Happiness: The Importance of Social Capital". *Journal of Happiness Studies*, Springer, 12(3):443-462. <http://hdl.handle.net/10.1007/s10902-010-9208-8>
- Lu, M.(1999). "Determinants of Residential Satisfaction: Ordered Logit vs. Regression Models". *Growth and Change*, 30(2): 14-25. <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/0017-4815.00113/abstract>
- Lin, N. (2001). *Social Capital: a Theory of Social Structure and Action*, Cambridge University Press.
- Neto F, and A.C.M. Fonseca.(2016). "The Satisfaction With Migration Life Scale". *International Journal of Intercultural Relations*, 54: 47-54. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ijintrel.2016.07.004>
- Quevedo, R.J.M., and M.C. Abella.(2011). "Well-being and Personality: Facet- level Analyses". *Personality and Individual Differences*, 50(2): 206-211. <http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2010.09.030>
- Saarela J M, and I. T. Elo.(2016). "Forced migration in childhood: Are there long-term health effects?". *SSM - Population Health*: 2: 813-823. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ssmph.2016.10.012>